



بیانات در دیدار فرمانده کل ارتش و جمعی از فرماندهان نیروی زمینی - 28 / فروردین / 1398

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين سيما بقیة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، فرماندهان زحمت کش و خدوم به معنای واقعی کلمه؛ و باید تبریک عرض بکنیم به همه‌ی شما، به فرمانده محترم ارتش، به فرماندهان نیروها، به مسئولان عالی‌رتبه‌ی ارتش جمهوری اسلامی ایران و به یکایک آحاد این ارتش خدوم، روز ارتش را و جلوه‌گری‌های گوناگون ارتش را که بحمدالله در بخشهای مختلف افتخارآفرین بوده. البته این تبریک، مخصوص شما نیست، تبریک به خانواده‌هایتان هم هست؛ چون آنها هم زحمت میکشند در کنار شما، بخصوص همسرانتان که اگر آنها با شما همکاری نمیکردند و همدلی نداشتند و با شما همراه نبودند در این کار دشواری که بر عهده‌ی شماها است، شماها نمیتوانستید این توفیقات را به دست بیاورید و لاقلاً در بخشی از این کارها، این توانایی‌ها لنگ میزدید؛ بخصوص هر چه مسئولیتها بالاتر میرود، زحمت خانواده‌ها بیشتر میشود. از قول ما به خانمهایتان، به خانواده‌هایتان سلام برسانید، تبریک بگویید، هم روز ارتش را، هم نیمه‌ی شعبان را، هم اعیاد شعبانیّه را و هم عید نوروز را.

خب بیانات جناب سرتیپ حیدری بیانات خیلی خوبی بود و درست تبیین کردند، هم چهره‌ی «أشیداء على الكفار» ی را، هم چهره‌ی «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (۱) را؛ این برداشت خیلی خوبی بود از واقعیت امروز ارتش. نیروهای مسلح، بدون تردید یکی از مظاهر و عناصر اصلی قدرت ملی هستند؛ البته در همه‌ی کشورها این جور نیست، در بسیاری از کشورها نیروهای مسلح عنصر اقتدار ملتها نیستند، عنصر اقتدار قدرتها و دیکتاتورها و مانند اینها هستند؛ یک وقت اگر لازم شد که نوبت سر ملت هم بزنند میزنند؛ حتی در آن جاهایی که ادعای آزادی‌خواهی و دموکراسی‌شان گوش فلک را هم کر کرده؛ شما شنبه‌های پاریس را الان ملاحظه کنید! لکن در کشور ما به برکت اسلام، به برکت تعالیم اسلامی - چون این را هم اسلام به ما یاد داده - الْجَنُودُ يَأْذَنُ اللَّهُ حُصُونُ الرِّعِيَّةِ، (۲) شماها حصن ملتید، حصن آحاد مردمید. این حصن هم فقط در دوران جنگ نیست، در دوران جنگ که خب شما میروید سینه‌تان را سپر میکنید و در مقابل دشمن مهاجم، خطر را میپذیرید، شیوه‌های گوناگون برخاسته‌ی از دانش و تجربه را به کار میبرید برای اینکه دشمن را منکوب کنید، سرکوب کنید، مهاجم را وادار کنید به عقب‌نشینی؛ این مال جنگ است، اینجا پس واقعاً شما حصن و حصار رعیتید.

در دوران صلح هم همین جور است؛ غیر از این حوادث طبیعی - که [به آنها] خواهم پرداخت - ولو حوادث طبیعی هم نباشد و نیروهای مسلح، یا در پادگانهایشان، یا در قرارگاه‌هایشان باشند، مایه‌ی اطمینان آحاد ملتند. وقتی ملت احساس میکند که یک نیروی زمینی کارآمد، یک نیروی هوایی کارآمد، یک نیروی دریایی کارآمد، یک پدافند کارآمد در کشور حاضر و آماده است، احساس آرامش میکند، احساس اطمینان میکند؛ دشمنان ملت ایران با این هم مخالفند. می‌بینید، گاهی اوقات چه راجع به ارتش، چه راجع به سپاه، چه راجع به روابط اینها، حرفهایی میزنند برای اینکه با مضطرب نشان دادن درون‌سازمانی نیروهای مسلح، مردم را مضطرب کنند؛ مقصود این است. پس در دوران صلح هم استقرار نیروهای مسلح، آمادگی نیروهای مسلح، چه در پادگانهایشان، چه در اداراتشان، چه در مراکز



استقرارشان مایه‌ی آرامش مردم است.

بعد میرسیم به حوادث طبیعی؛ شما ملاحظه کنید، در زلزله‌ی کرمانشاه حضور ارتش و دیگر نیروهای مسلح یک حضور حیاتی بود، یعنی واقعاً اگر چنانچه در آن مناطق اساسی زلزله‌زده اینها نبودند و به کمک مردم نمی‌شتافتند، تلفات ما - غیر از ویرانی‌های گوناگون - قطعاً چند برابر میشد؛ این مال زلزله‌ی کرمانشاه. در این سیل اخیر هم، حالا من البته به نیروهای مسلح دستور دادم که بروند اما من میدانم و اطلاع دارم که قبل از دستور من هم بخش مهمی از نیروهای مسلح - ارتش و سپاه و دیگران - در میدان بودند. ارتش در گلستان، قبل از ستاد بحران حضور پیدا کرد، قبل از اینکه پای ستاد بحران به آنجا برسد، ارتش آنجا حضور داشت؛ «حُصُونُ الرَّعِيَّةِ» یعنی اینها. فقط هم این حضور، حضور آلات و وسایل و مانند اینها نبود؛ [بلکه] جسمشان، بدنشان، توان جسمانی‌شان در خدمت مردم بود. سرهنگ ارتشی خم میشود که یک پیرمرد پایش را بگذارد روی پشت او، سوار [کامیون] بشود! ببینید اینها چیزهایی است که میماند، در حافظه‌ی تاریخ گم نمیشود؛ این را ملت ایران دیدند، این «حُصُونُ الرَّعِيَّةِ» است؛ این یعنی ارتش وقتی میگوید «ارتش فدای ملت» صادق است در این کلام، دارد کار میکند؛ اینها ارزشهایی است که وجود دارد.

خب، یک نکته‌ی دیگر این است که ارتش جمهوری اسلامی به برکت جمهوری اسلامی صرفاً ابزارآلات و تجربه و دانش و فن نیست بلکه در بخشهایی از ارتش، یک نمایشگاه ارزشهای اسلامی هم هست؛ بسیاری از نقاط ارتش، ویتترین ارزشهای اسلامی است؛ چه در دانشگاه‌هایش، چه در پادگان‌هایش، چه در مراکز اداری و استقرارش، توجه به ظواهر دین، توجه به اعمال شریعت، توجه به خدمتگزاری؛ اینها چیزهایی است که در ارتش، خودش را نشان داده؛ من حکم کلی نمیکنم، همه یک جور نیستند. مهم این است که نمونه‌هایی داشته باشیم که انسان بتواند اینها را سر دست بلند کند و نشان بدهد. عباس بابایی را یا صیاد شیرازی را یا امثال اینها را انسان میتواند به یک ملت نشان بدهد، میتواند به امت اسلامی نشان بدهد و بگوید اینها، این [طور] بودند؛ آن تعهدشان، آن فداکاری‌شان، آن تواضعشان، آن گریختنشان از نام و نشان. در یک برهه‌ای، فرمانده نیروی هوایی را میخواستیم انتخاب کنیم، سه گزینه مطرح بود: شهید ستاری، شهید بابایی و یک نفر دیگر که یادم نیست چه کسی بود؛ مال زمان ریاست جمهوری من است. من به خودشان محوّل کردم، گفتم من انتخاب نمیکنم - به نظرم خواستمشان، حالا یادم نیست، چون خیلی گذشته، سالها گذشته - خودتان بنشینید یکی‌تان را انتخاب کنید؛ نشستند انتخاب کردند. البته آن زمان بیشتر رسم بود که فرمانده نیروی هوایی خلبان باشد، شهید ستاری خلبان هم نبود، نیروی فنی بود، [ولی] او را انتخاب کردند؛ مثلاً گفتند به این دلیل، به این دلیل. یعنی مثلاً شهید بابایی که حالا یادم هست اسمش را یا آن دیگری که یادم نیست، میتواندست یک اشاره‌ای بکند که آدم بفهمد او مایل است که بشود فرمانده، راحت همین کار اتفاق می‌افتاد، [چون] بالاخره او خلبان بود و خلبانها آن وقت در نیروی هوایی بیشترین امکانات را داشتند یعنی بیشترین شانس را داشتند برای فرماندهی؛ [اما اشاره‌ای] نکردند. اینها خیلی مهم است؛ غالباً چشمهای ظاهریین و زبانهای جدا از اندیشه و فکر، این چیزها را نه می‌بینند و نه می‌گویند؛ اما هست، وجود دارد. من در ارتش خیلی بوده‌ام، با خیلی از ارتشی‌ها نشستیم، برخاسته‌ام، آزموده‌ام این را، اینها وجود دارد در ارتش، این ارتش خیلی باارزش است؛ ارتش مکتبی یعنی این، این را شماها که فرمانده هستید تقویت کنید.

امروز ارتش، دست بچه‌های متدین و انقلابی ارتش است؛ یعنی این آقایان که حالا در فرماندهی ارتش هستند، غالباً جوانهای انقلابی ارتشند که از ورودی‌های بعد از انقلابند. البته تعدادی مال اندکی قبل از انقلاب [هستند] اما غالباً مال ورودی‌های بعد از انقلابند که در ارتش وارد شده‌اند. امروز زمام این تشکیلات بزرگ، این سازمان باارزش



دست شما است؛ هر چه می‌توانید در این جهت ارتش را تقویت کنید. امروز ارتش ما، هم متدین‌تر از همیشه است، هم کارآمدتر از همیشه است، یعنی انصافاً هیچ تردیدی وجود ندارد. حالا آنهایی که عادت کرده‌اند به تحقیر ملت و تکریم خائنان به ملت، مرتب تکرار میکنند که ارتش مدرن را رضاخان تشکیل داد. خب همین ارتش مدرن در مقابل هجوم خارجی‌ها چقدر توانست مقاومت کند؟ چند نفر در آن ارتش مدرن ایستادند پای این مبارزه و جانشان را از دست دادند؟ بشمرند تا ببینیم؛ یک شبانه روز نتوانستند مقاومت بکنند؛ [اما] این ارتش هشت سال در یک جنگ منظم مقاومت کرد، ایستادگی کرد، فعالیت کرد. ما شاهد بودیم، کارهایشان را دیدیم، حرکاتشان را دیدیم، زحمتهایی که متحمل شدند را دیدیم. این است دیگر. این ارتش، دانشش بهتر است، تجربه‌اش بیشتر است، روحیه‌اش بمراتب بالاتر است، توانایی‌های گوناگونش بهتر است، دینش هم بیشتر است، تعبدش هم بیشتر است، امانتش هم بیشتر است؛ این به برکت جمهوری اسلامی است؛ این جمهوری اسلامی است که ارتش را این جور بار آورده که بحمدالله مایه‌ی افتخار است.

ارتش و نیروهای مسلح، امروز فقط به منافع ملی نمی‌پردازند؛ منافع ملی را تأمین میکنند، اما برکات نیروهای مسلح ما امروز به بسیاری از کشورهای دیگر هم میرسد. شما فکر کنید اگر چنانچه نیروهای مسلح ما - ارتش و سپاه - در مبارزه‌ی با داعش وارد نمیشدند، امروز منطقه چه حالتی داشت؟ البته کشورهای کارهای خودشان را کردند، منتها نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را چه کسی میتواند نادیده بگیرد. شما ببینید که اگر وارد نمیشدند، امروز در کشورهای همسایه‌ی ما - همسایگان ما - ملتهای چه جوری بودند و حکومتها دست چه کسانی بود؟ یعنی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برکاتشان را دارند تقسیم میکنند، نعمتهای خدادادی را بین خودشان و دیگران دارند تقسیم میکنند، خیرشان به همه میرسد؛ و امیدواریم این ادامه پیدا کند و خیرتان به دنیا برسد؛ ان شاءالله.

یک کار مهمی هم که در ارتش به نظر من بوده و هست و ان شاءالله بیشتر هم تقویتش بکنید - سرتیپ حیدری هم [به آن] اشاره کردند - اتحاد نیروهای مسلح است؛ یعنی شما و سپاه، دست اتحادتان از هم جدا نشود. حرکت زیبایی بود این کاری که این آقایان کردند بعد از قضیه‌ی حرکت زشت آمریکایی‌ها نسبت به سپاه، پا شدند رفتند با سپاهی‌ها دست برادری دادند؛ این بسیار حرکت زیبا و درستی بود که انجام گرفت؛ اینها دشمن را خیلی عصبانی میکند؛ هر کاری که شما بکنید که دشمن را عصبانی کند آن کار خوب است؛ هر کاری انجام بگیرد که به نفع دشمن باشد آن کار بد است؛ هر جور کاری میخواهد باشد؛ چه آدمی که این کار را انجام میدهد مثل من عمامه داشته باشد، چه مثل شما لباس نظامی داشته باشد، فرقی نمیکند؛ دشمن را جری نباید کرد، روحیه به دشمن نباید داد. یکی از اساسی‌ترین شیوه‌های امروز جنگ در دنیا، جنگ روحیه‌ها است - البته همیشه همین جور بوده، امروز دیگر بیشتر - که روحیه‌ی طرف را تضعیف کنند. مردک در کشور خودشان هزاران میلیارد [دلار] بدهکاری و بدبختی و گرفتاری دارند، سیل می‌آید، طوفان می‌آید - [مثل] آن طوفانی که چند سال پیش در کارولینا آمد و تا چند سال اصلاً رسیدگی نتوانستند بکنند - این گرفتاری‌ها را دارند، آن وقت می‌آید می‌نشینند برای جمهوری اسلامی و ملت ایران و مسئولین کشور بنا میکنند لیچار (۳) گفتن و چرند گفتن و چیزهایی که در شأن خودشان هست را به ایران نسبت دادن؛ دشمن این جوری است. او میخواهد روحیه‌ی طرف را ضعیف کند؛ میدانند واقعیت چیست، گرفتاری‌های خودشان را هم میدانند، بدبختی‌های خودشان را هم میدانند، حرکت عظیم و سریع ملت ایران را هم می‌بینند. این کاری که الان در مسئله‌ی سیل دارد انجام میگیرد در این چند استان، اینها کارهای فوق‌العاده است؛ واقعاً زبان و بیان، قادر نیست اینها را درست توصیف بکند؛ ارتش یک جور، سپاه یک جور، بسیج یک جور، آحاد مردم یک جور، روحانیون و طلبه‌ها یک جور؛ چند هزار طلبه رفتند، چند هزار دانشجو راه افتادند رفتند به کمک مردم، با دست خالی



؛ خیلی‌هایشان توانایی هم ندارند ؛ امکانات مالی‌ای که مردم در اختیار این کار گذاشتند ؛ اینها یک چیزهای عجیبی است، اینها در دنیا، یا هیچ نظیر ندارد، یا خیلی کم نظیر دارد ؛ اینها نشان‌دهنده‌ی حرکت عظیم ملت ایران است. اینها را دشمن میبیند، خب مصلحت نمیداند که به رو بیاورد، لذا می‌نشیند یاوه‌سرایی میکند برای تضعیف روحیه. از این طرف شما باید کاری نکنید که روحیه‌ی طرف تقویت بشود، روحیه‌ی خودی ضعیف بشود ؛ هیچ کس نباید این جور حرکت بکند. در تبلیغات، در بیانات، در اظهارات، در عملکردها این را باید رعایت کنید.

ارتش بحمدالله ارتش خوبی است ؛ امیدواریم روزبه‌روز کارها را بهتر، تخصّص‌ها را بالاتر، عملکردها را بهتر، تجربه‌ها را متراکم‌تر انجام بدهید و گزارشهایی که به مسئولین بالا داده میشود، گزارشهای دقیق و واقعی باشد. همه‌ی دستگاه‌ها به این توجّه کنند که گزارش را دقیق باید بدهند، چون گزارش تصمیم‌ساز است و تصمیم‌گیر بایستی گزارش درست در اختیارش قرار بگیرد تا بتواند درست تصمیم بگیرد. از همه‌ی شماها متشکریم ؛ ان‌شاءالله که موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(۱) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹ «... بر کافران، سخت‌گیر [و] با همدیگر مهربانند ...»

البلاغه،

(۲)

نامه‌ی ۵۳

(۳) سخن گستاخانه، یاوه